



تعیین برازش مدل معادلات ساختاری روابط بین سردرگمی هویت و شکست عاطفی بر اساس نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
دانشیار گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

زهرا باقری ماسی مرده ^{id}

مجید زرغام حاجبی* ^{id}

عباس حبیب زاده ^{id}

zarghamhajebi@qom-iau.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیک) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۴ پیاپی ۱۳ | ۱۱۶-۱۳۴

زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تعیین برازش معادلات ساختاری شکست عاطفی بر اساس سردرگمی هویت با میانجی‌گری مکانیزم‌های دفاعی بود. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر توصیفی و طرح پژوهش همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه دختران نوجوان دانش‌آموز دارای شکست عاطفی در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ شهرستان نورآباد بود. نمونه این پژوهش شامل ۲۵۰ نفر که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سندرم ضربه عشقی (راس، ۱۹۹۹)، پرسشنامه سازمان شخصیت (کرنبرگ، ۲۰۰۲) و پرسشنامه مکانیزم‌های دفاعی (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳) جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۲ صورت گرفت. سطح معناداری در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که سردرگمی اثر غیرمستقیم بر شکست عاطفی داشته است، بنابراین وجود رابطه غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود ($P < 0/05$). **نتیجه‌گیری:** می‌توان نتیجه گرفت که سازمان شخصیت دارای نقش میانجی در رابطه بین مکانیزم‌های دفاعی و شکست عاطفی داشته است.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(باقری ماسی مرده، زرغام حاجبی، و حبیب

زاده، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

باقری ماسی مرده، زهرا، زرغام حاجبی، مجید، و حبیب زاده، عباس. (۱۴۰۱). تعیین برازش مدل معادلات ساختاری روابط بین سردرگمی هویت و شکست عاطفی براساس نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۳(۴)، ۱۱۶-۱۳۴.

کلیدواژه‌ها: شکست عاطفی، سردرگمی هویت، مکانیزم‌های دفاعی

مقدمه

نوجوانی دوره تغییر و آشفتگی است (لاریو، ۲۰۱۳). انسان از وقتی خود و جهان را بهتر می‌شناسد به دنبال عشق است یعنی از دوران بلوغ میلیون‌ها شعر، آهنگ و کارت در مورد عشق نوشته شده است؛ اما نوجوانان در مورد مفهوم عشق چه فکر می‌کنند؟ برای برخی نوجوانان، عشق از زندگی مهم‌تر است، برای برخی دیگر، روش رشد آن‌ها از نظر جنسی است، پیدا کردن هویت است، برای بعضی‌ها همه چیز پیدا کردن شخصی است که می‌خواهد او را نوازش کند. به طور کلی، عشق به عنوان یک مفهوم فراتر از احساسات است (وارما و مچر، ۲۰۱۵). روابط عاشقانه قسمت جدید و مهیج زندگی برای نوجوانان است (پاسکال، زنت ولایت، ایوانو، ورباکل، ۲۰۱۸). به طور کلی سنگ بنای شخصیت انسان در خانواده پی‌ریزی می‌شود و خانواده کانون رشد، توسعه و سلامت افراد است (فهیمی، عظیمی، اکبری، پیچاکالایی، پور شریفی، ۱۳۹۳). محیط خانواده، ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت فرد است و روابط موجود در آن چگونگی رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی فرد را پیش‌بینی می‌کند (یوسفی، امانی، عسگری و سلیمانی، ۱۳۹۶). روانکاوان همواره در پی کشف این بوده‌اند که گذشته افراد، به چه نحو رفتار و روابط کنونی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این بین برخی محققان حوزه روان‌کاوی به شکل خاصی خود را وقف مطالعه روابط و نقش روابط گذشته در تعیین ساختار و ماهیت شخصیت افراد کرده‌اند (فرجاد، محمدی، رحیمی، هادیان فرد، ۱۳۹۳).

از دیدگاه روابط موضوعی، علائم خود تخریبی و عدم موفقیت مزمن (شکست عاطفی) ریشه در روابط ایزه با والدین دارد و معتقدند که روابط اولیه به خودی خود هدف نیستند بلکه وجود آن‌ها در خدمت یک کارکرد است، یعنی رشد خود اغلب روابط تا اندازه‌ای هم محدود و هم تسهیلگر رشد هستند بنابراین توانایی برقراری روابط ارضا کننده‌ی متقابل تا حدودی به الگوی درون‌فکنی شده‌ی ناشی از تعاملات اولیه با والدین یا سایر افراد مهم مربوط است (سنت کلا، ۲۰۰۸). نظریه‌پردازان روابط موضوعی، شکل‌گیری و تفکیک اولیه ساختارهای روان‌شناختی و چگونگی ظهور این ساختارهای درونی در موقعیت بین شخصی را مورد بررسی قرار می‌دهند. این نظریه‌پردازان بر اوائل زندگی متمرکز می‌شوند که اثری دیرپا دارند؛ یعنی اثرات و بقایای در روان فرد بر جا می‌گذارند این بقایای روابط گذشته، این روابط موضوعی درونی، ادراکات فرد و روابط او با افراد دیگر را شکل می‌دهند (سنت کلا، ۲۰۰۸).

مطالعه سولبرگر و همکاران (۲۰۱۲) حاکی از ارتباط میان آشفتگی هویت، نمره افسردگی و شدت علائم روان‌پزشکی و عاطفه منفی است و آشفتگی هویت به عنوان یکی از شاخص‌های سازمان شخصیت شدت اختلال شخصیت مرزی یا هر نوعی از اختلال شخصیت را اندازه می‌گیرد (صالح‌نیا، ۱۳۹۶). این در حالی است که در تحقیقات مختلف ارتباط شکست عاطفی با افسردگی بیان شده است. تبیین‌های روان‌شناختی متفاوتی برای رفتارها و عملکردهای مختل وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها داشتن اختلالات روان‌شناختی است. الگوی سازمان شخصیت کرنبرگ شدت آشفتگی شخصیتی را پیوستاری از عملکرد نرمال - رومانیتیک می‌داند که با گذشتن از سطح شخصیت مرزی به سمت شخصیت سایکوتیک حرکت می‌کند (کرنبرگ، ۲۰۱۶). او سازمان شخصیت بهنجار، مرزی و نابهنجار را در سه سطح نوروتیک، مرزی و سایکوتیک متمایز کرده است؛ که هر یک از سطوح از لحاظ سه بعد آزمون‌گری واقعیت، یکپارچگی هویت و مکانیسم‌های دفاعی متفاوت هستند (میلون، گراسمن، میلون، میاگر و رامنس، ۲۰۰۴). افزایش نفوذ

هیجان‌های شدید ناپخته که فاقد انسجام هستند اغلب در ارتباط با به هم‌ریختگی‌های عاطفی و رفتارهای مرتبط با آن مانند تظاهرات خشم و رفتارهای خودمخربانه‌ای تکانشی، یعنی در سطح سازمان مرزی نمود پیدا می‌کند (لزنوگر، کلارکین، کرنبرگ و فولج، ۲۰۰۱).

یکی از متغیرهایی که به نظر می‌رسد بین سازمان شخصیت و شکست عاطفی نقش واسطه دارد، مکانیزم‌های دفاعی است. از مشخصه‌های مهم شخصیتی افراد نوع و تعدد مکانیسم‌های دفاعی است اصولاً مکانیسم‌ها تحت تأثیر سطوح شخصیت قرار دارند. فرایندهای شخصیت و سبک‌های دفاعی ممکن است در مدیریت استرس‌ها و هیجان‌های مداخله کنند و در شروع شدت و ادامه اختلالات تأثیرگذار باشند و از طرفی شناسایی دفاع‌های اختلال‌های مختلف جهت کمک به تشخیص افتراقی نیز کاربرد قابل قبولی دارند؛ این که مشخص شود هر اختلال با چه نوع مکانیزم‌های دفاعی برجسته‌ای همراه است و در چه سطح از سازمان شخصیت قرار می‌گیرد علاوه بر فهم بیشتر عملکردهای نظامی روانی، راهبردی کمکی در جهت تشخیص و تمیز اختلال‌های روانی است (فرجاد، محمدی، هادیان فر، ۱۳۹۲). ایگو در مواجهه با تهدیدات درونی و بیرونی مکانیسم‌های دفاعی را راه می‌اندازد. مکانیسم‌های دفاعی واکنش‌های ناخودآگاه ایگو، به منظور کاهش اضطراب از راه تغییر مسیر در درک واقعیت هستند. ایگو از راه این فرایندها، تلاش می‌کند تا اضطراب ناشی از تعارض آید و سوپرایگو که به قدری شدید هستند که ایگو برای جلوگیری از ورود تکانه‌ها به هشیاری مقدار زیادی انرژی صرف می‌کند و از مکانیسم‌های دفاعی بسیار محدود کننده استفاده می‌کند که در این صورت، نشانه‌های روان‌نژندی بروز می‌کند (پروچسکا و نورکراس، ۲۰۰۷)؛ هدف این پژوهش تعیین برآزش معادلات ساختاری شکست عاطفی بر اساس سردرگمی هویت با میانجی‌گری مکانیزم‌های دفاعی بود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش تجزیه و تحلیل توصیفی-همبستگی، همراه با معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه دختران نوجوان دانش‌آموز دارای شکست عاطفی در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ شهرستان نورآباد بود. نمونه این پژوهش شامل ۲۵۰ نفر که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابتدا از دانش‌آموزان خواسته شد که هر کس تجربه شکست عشق دارد در صورت رضایت در تحقیق شرکت کند سپس پرسشنامه شکست عاطفی (نشانگان ضربه عشق راس) جهت غربالگری در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. محدوده سنی آن‌ها از ۱۳ تا ۱۹ سال است. افراد با تجربه شکست عاطفی و شکایت از آشفتگی‌های جسمی، هیجانی؛ شناختی و رفتاری است. در انتخاب حجم نمونه به دلیل اینکه در پژوهش مدلیانی به ازای هر مغیر آشکار ۱۰ تا ۱۵ نفر نیاز است و بر اساس متغیرهای موجود در مدل مفهومی، ۲۵۰ نفر انتخاب شدند. به دلیل افزایش تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش، حجم نمونه به ۲۵۰ نفر افزایش پیدا کرد. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بودند: تمامی افراد به صورت کتبی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه سندرم ضربه عشقی (LTS)^۱ این پرسشنامه توسط راس (۱۹۹۹) برای سنجش شدت ضربه عشق از ده ماده تشکیل ده است که هر ماده چهار گزینه‌ای است که پاسخ دهنده بر اساس تجربه ضربه عشقی خود مناسب‌ترین گزینه را انتخاب می‌کند (منجم، منیرپور، میرزاحسینی، ۱۳۹۸). این پرسشنامه یک ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری فراهم می‌کند. نمره ۲۰ به عنوان نقطه برش این پرسشنامه در نظر گرفته می‌شود. اگر نمره بین ۲۰ تا ۳۰ باشد به معنای تجربه جدی نشانگان ضربه عشق است. نمره بین ۱۰ تا ۱۹ بیانگر وجود نشانگان ضربه عشقی در حد قابل تحمل‌تری است. نمره بین ۰ تا ۱۰ نشان می‌دهد که ضربه عشقی کاملاً در سطح قابل تحمل و کنترل شدنی است و به طور جدی زندگی را تخریب نمی‌کند. پایایی نسخه اصلی این پرسشنامه در مطالعه راس (۱۹۹۹)، ۰/۸۶ به دست آمد و روایی آن با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش دهقانی (اندروز، سینگ، بوند، ۱۹۹۳) ضریب همسانی درونی ۰/۸۱ و پایایی با روش بازآزمایی برابر با ۰/۸۳ به دست آمده است.

۲. پرسشنامه سازمان شخصیت: برای اندازه‌گیری سازه سازمان شخصیت از پرسشنامه سازمان‌یافتگی شخصیت کرنبرگ فرم ۳۷ سؤالی سیاهه سازمان شخصیت (۲۰۰۲) استفاده گردید (بشارت، ایروانی، شریفی، ۱۳۸۰). این سیاهه، دارای سه بعد واقعیت، دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت است. در مدل کرنبرگ از سازمان شخصیت، حاصل جمع سه عامل دفاع‌های روان‌شناختی، سردرگمی هویت و آزمون واقعیت بیانگر آسیب‌پذیری کلی شخصیت (شخصیت مرضی) و حاصل جمع نمرات دو بعد دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت ملاک کلی شخصیت مرضی است (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰). دامنه نمرات کل پرسشنامه بین ۳۷ تا ۱۸۵ متغیر است. روایی این پرسشنامه در پژوهش کرنبرگ (۲۰۰۲) با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد (بشارت و همکاران، ۱۳۸۰).

۳. پرسشنامه مکانیزم‌های دفاعی: ابزار سنجش سبک‌های دفاعی (DSQ-4 O) اندروز و همکارانش، (۱۹۹۳) نسخه‌ای جدید از پرسشنامه سبک‌های دفاعی را با ۴۰ عبارت و ۲۰ مکانیسم دفاعی تدوین نمودند. آنان پس از بررسی‌های تحلیل عاملی توانستند ۲۰ مکانیسم را در سه عامل از یکدیگر متمایز کنند ۱-سبک رشد نیافته (دلیل تراشی، فرافکنی، انکار، همه کارتوانی، نارزنده سازی، گذر به عمل، بدنی سازی، خیال پردازی اوتستیک، لایه سازی، پرخاشگری، منفعلانه، جابه جایی، مجزا سازی) ۲-سبک دفاعی رشد یافته (فرونشانی، والایش، شوخ طبعی، پیشاپیش نگری) ۳- سبک روان آزرده (دیگر دوستی، تشکل واکنشی، عقلانی سازی، ابطال) در ژاپن این ابزار دارای روایی هم‌زمان با پرسشنامه مادرزلی است (MPT) است (وی، میکائیل، لمولا، باترفیل، سیو و همکاران، ۲۰۲۰). لازاروس و همکاران (۲۰۲۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای هر یک از سبک‌های رشد یافته، رشدنیافته، روان آزرده به ترتیب ۰/۷۳؛ ۰/۷۴ و ضریب اعتبار بازآزمایی را با فاصله چهار هفته ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند.

¹ Love Trauma Inventory

روش اجرا

در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده‌ها آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی، درصد فراوانی) و آمار استنباطی و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Amos.22 و SPSS.22 انجام شد.

یافته‌ها

میانگین سنی پاسخگویان، ۱۷/۳ سال با انحراف معیار ۶/۴۸ است. کمترین سن ۱۵ سال و بیشترین سن ۱۸ سال است. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	تعداد
مکانیزم‌های دفاعی - رشد یافته	۱۲/۴۱	۱/۱۶	۷	۱۴	۲۵۰
رشد نیافتده	۸/۹۸	۱/۱۰	۵	۱۱	۲۵۰
روان آزرده	۱۲/۴۷	۱/۹۹	۸	۲۰	۲۵۰
نشانگان ضربه عشق	۱۹/۲۹	۶/۳۱	۵	۲۹	۲۵۰
سردرگمی هویت	۱۲/۵۵	۱/۸۱	۱	۱۲	۲۵۰

نتایج جدول ۱ خلاصه‌ای از شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیر مکانیزم‌های دفاعی (رشد یافته، رشد نیافتده و روان آزرده)، نشانگان ضربه عشق و سردرگمی هویت را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سردرگمی هویت	۱					
شخصیت مرزی	۰/۲۶**	۱				
رشد یافته	-۰/۲۹**	-۰/۳۳**	۱			
رشد نیافتده	۰/۲۲**	۰/۱۷**	۰/۲۹**	۱		
روان آزرده	۰/۴۲**	۰/۲۹**	۰/۱۳**	۰/۲۸**	۱	
نشانگان ضربه عشق	۰/۲۸**	۰/۱۸**	۰/۴۱**	۰/۱۴**	-۰/۴۱**	۱

**P<0/01

بر اساس جدول ۲، ضرایب همبستگی بین سردرگمی هویت، مکانیزم‌های دفاعی و نشانگان ضربه عشق از نظر آماری معنادار بود ($P < 0/05$). ضرایب کجی و کشیدگی مربوط به توزیع نرمات متغیرهای پژوهشی

نشان می‌دهد که با توجه به نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی کوچک‌تر از ۳ و قدر مطلق ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۱ هستند و لذا تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نیست. لذا می‌توان گفت که توزیع متغیرهای پژوهش نرمال است. همچنین مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ هستند و این نشان می‌دهد که بین متغیرها، هم خطی چندگانه وجود ندارد. نتایج مربوط به اجرای مدل اولیه در حالت استاندارد به همراه برخی از مهم‌ترین شاخص‌های نیکویی برازش مدل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب و معناداری اثر مستقیم سردرگمی هویت، شکست عاطفی و مکانیزم‌های دفاعی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره معنی-داری	P
سردرگمی هویت	مکانیزم‌های دفاعی	مستقیم	۰/۴۶	۰/۵۸	۱۰/۶۰	<۰/۰۰۱
مکانیزم‌های دفاعی	شکست عاطفی	مستقیم	۰/۱۰	۰/۱۸	۳/۷۵	<۰/۰۰۱
سازمان شخصیت	شکست عاطفی	مستقیم	۰/۲۹	۰/۳۵	۷/۶۰	<۰/۰۰۱

آنچه از نتایج جدول ۳ برمی‌آید این است که سردرگمی هویت و مکانیزم‌های دفاعی اثر مستقیم بر شکست عاطفی داشته‌اند، بنابراین فرضیه مطرح شده در ارتباط با وجود رابطه بین سردرگمی هویت، شکست عاطفی و مکانیزم‌های دفاعی با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۴. ضرایب و معناداری اثر غیر مستقیم سردرگمی هویت، شکست عاطفی و مکانیزم‌های دفاعی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع اثر	ضریب استاندارد نشده	β استاندارد شده	آماره سوبل	P
سردرگمی هویت عاطفی	شکست عاطفی	غیر مستقیم	۰/۵۳*	۰/۴۶*	۸/۳۱	<۰/۰۰۱

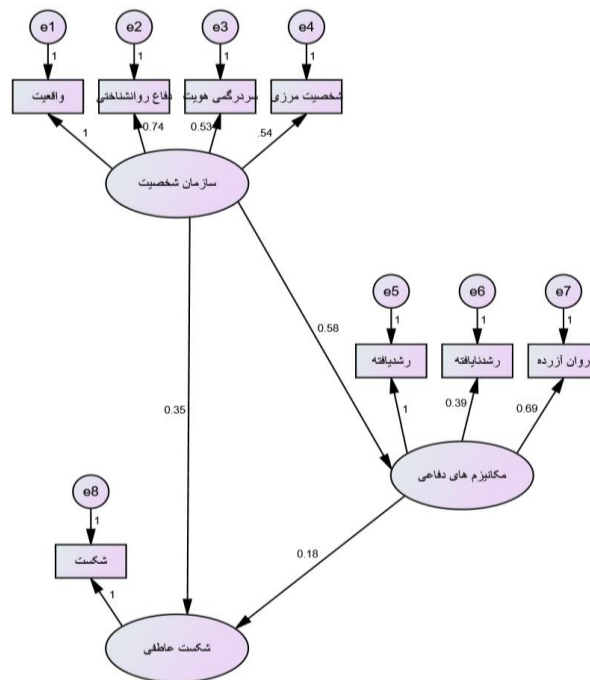
جهت بررسی اثر متغیرهای میانجی مکانیزم‌های دفاعی از آزمون سوبل استفاده شد. آنچه از نتایج جدول ۴ برمی‌آید این است که سردرگمی هویت اثر غیرمستقیم بر شکست عاطفی داشته است، بنابراین وجود رابطه غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود ($P < ۰/۰۵$).

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

نام شاخص	شاخص‌های برازش
----------	----------------

مقدار	حد مجاز	χ^2 df
۰/۱۱	کمتر از ۳	—
۰/۰۳۲	کمتر از ۰/۱	RMSEA (ریشه میانگین خطای برآورد)
۰/۹۷	بالاتر از ۰/۹	CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای)
۰/۹۵	بالاتر از ۰/۹	NFI (برازندگی نرم شده)
۰/۹۶	بالاتر از ۰/۹	GFI (نیکویی برازش)
۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹	AGFI (نیکویی برازش اصلاح شده)
۱۸۷/۱۶	مقادیر کوچک‌تر در مقایسه با سایر مدل‌ها	AIC (معیار اطلاعات آکائیک)
۲۰۴/۴۴	مقادیر کوچک‌تر در مقایسه با سایر مدل‌ها	BIC (معیار اطلاعات بی‌زین)

مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی بر درجه آزادی، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) به ترتیب برابر به ۰/۱۱، ۰/۹۷، ۰/۹۶، ۰/۹۳ و ۰/۰۳۲ به دست آمد. ارزش عددی مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش مدل نشان داد که برازش الگوی پیشنهادی قابل قبول است.



شکل ۱. نمودار مدل‌سازی معادلات ساختاری روابط متغیرهای پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین معادلات ساختاری شکست عاطفی بر اساس سردرگمی هویت با میانجی‌گری مکانیزم دفاعی بود. نتایج این پژوهش با پژوهش لازاروس و همکاران (۲۰۱۹)؛ بهدوست و همکاران (۱۳۹۸) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که عشق یکی از حیرت‌انگیزترین هیجان‌هایی است که انسان می‌تواند تجربه کند، اما در عین حال، می‌تواند یکی از دردناک‌ترین هیجان‌هایی باشد که تجربه می‌شود. نوجوانانی که عاشقانه با جنس مخالف شریک می‌شوند، معمولاً سطح بالاتری از علائم افسردگی را نسبت به افرادی که این رابطه را ندارند نشان می‌دهند (توسلی، آقامحمدی شریف، سپهری شاملو، شهسواری، ۱۳۹۷). کرنبرگ (۲۰۱۱) معتقد است عنصر مهم در آگاهی یافتن از سازمان شخصیت -از شخصیت بسیار آشفته گرفته تا شخصیت سالم -رابطه مادر فرزند است. روابط شی سالم اولیه، به خود (ایگوی) منسجم، فراخود تنبیه کننده، خودپنداره باثبات، و روابط میان فردی خشنود کننده منجر می‌شود. روابط مادر -فرزند نابسند به حالت‌های خود متناقض و شکل‌های مختلف آسیب روانی می‌انجامد. به باور کرنبرگ، برخی کارکردهای ایگو، مانند ادراک و حافظه، از ابتدای زندگی وجود دارند. کودک می‌تواند ببیند و به خاطر بسپارد و از این رو است که می‌تواند روابط موضوعی را درون فکنی کند. روابط درون فکنی شده همچون زمینه‌ای برای شکل‌گیری ایگو و به مثابه ساختارهای روانی اولیه عمل می‌کنند. واحدهای روابط موضوعی (مشمول بر انگاره خود و موضوع و بار عاطفی ملازم با آن) رسوباتی^۱ هستند که هسته‌های ایگو^۲ پیرامون آن‌ها تثبیت می‌شوند. احساسات خصمانه درونی شده، از طریق مکانیزم دفاعی دوپاره‌سازی از یکدیگر جدا نگه داشته می‌شوند، در حالی که احساسات مثبت و لیبیدویی درونی شده در نوعی هسته ایگوی بدوی درهم می‌آمیزند. موضوع‌های درونی خوب و خوشایند، درون فکنی‌های مثبتی‌اند که در آن انگاره خود و انگاره موضوع درهم آمیخته و غیرقابل تفکیک‌اند. این فرایند مستلزم آمیختگی، انحلال و باز آمیختگی واحدهای مشابه و دارای بار عاطفی مثبت و یا «موضوع‌های خوبی» است که در قالب «ایگوهای چندگانه» ادغام و تثبیت می‌شوند و این ایگوهای چندگانه به نوبه خود در قالب الگویی در حال ظهور کودک انسجام می‌یابند. ایگو طی فرایند تثبیت و انسجام خود، به کارکردهای دیگر، خصوصاً کارکردهای دفاعی، مجهز می‌شود (دیپیرو، گارگیلو، پوگی، ماددو، پرتی، ۲۰۲۰).

به گفته اریکسون، وظیفه اصلی نوجوانان حل بحران هویت در مقابل سردرگمی نقش است. منظور از هویت در نظریه کرنبرگ، ساختار روانشناسی سطح بالاتری است که احساس و معنایی که هر فردی از در خود و چهره‌های مهم زندگی دارد. بدان وابسته است. در هویت بهنجار، روابط موضوعی درونی، انسجام و سازمان می‌یابند تا احساس یا مفهومی ثابت، یکپارچه و منسجم از خود را تشکیل دهند تا بر اساس آن جنبه‌های گوناگون فعال شوند. در یک هویت بهنجار، تجربه‌های که فرد از چهره‌های مهم زندگی‌اش دارد، نسبتاً ثابت و منسجم‌اند و فرد دارای این ظرفیت است که تصویری منسجم و «کامل» (یکپارچه) از جنبه‌های مختلف شخص دیگر به دست آورد (اینسینک، روسئو، بیبردزیک، بگین، نورماندین، ۲۰۱۷). مفهوم هویت خود کرنبرگ دقیقاً با مفهوم اریک اریکسون می‌خواند. «هویت خود به سازمان کلی همانندسازی‌ها و درون فکنی‌ها تحت اصل هدایت کننده عملکرد ترکیبی خود، اشاره دارد.» (دیپیرو و

¹ Precipitates

² Ego nuclei

همکاران، ۲۰۲۰). اریکسون نوجوانی را دوره‌ای از آشفتگی هویت در مقابل نقش دانست. هویت خود درک انسجام خود را به فرد می‌بخشد. هویت خود منسجم، سایر خودانگاره‌ها را سازمان‌دهی می‌کند، به فرد امکان می‌دهد شیء انگاره‌ها را سازمان‌دهی می‌کند، به فرد امکان می‌دهد شیء انگاره‌ها را باثبات‌تر در نظر بگیرد، و به رشد خود منسجم، و فراخودی که به صورت پخته عمل می‌کند، منجر می‌شود. فقدان هویت خود باثبات به تداوم خود (ایگوی) تقسیم شده، عدم انسجام و اختلال‌های روانی گوناگون منجر می‌شود (کرنبرگ، ۲۰۱۱). اختلال شخصیت مرزی (BPD) نوعی اختلال است که با بی‌ثباتی در احساس هویت بیماران مشخص می‌شود (گنوا، گازیلو، ۲۰۱۸). کرنبرگ به ویژه بر «هویت» تمرکز می‌کند. یک ساختار روان‌شناختی سطح بالا که مسئول حس فرد از خود و همچنین حس او درباره افراد مهم زندگی‌اش است (الوارز و همکاران، ۲۰۱۷). کرنبرگ هویت بهنجار را با هویت‌یابی آسیب دیده، که پس از اریکسون (۱۹۵۶) از آن به عنوان نشانگان سردرگمی هویت یاد کرد مقایسه می‌کند (فانتونا، دیفانفیلیس، کاسینی، پرتی، ریچتین و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی، می‌توان استدلال کرد که سردرگمی هویت یکی از عواملی است که در تنظیم هیجان و ابراز آن دخیل بوده و هر چه میزان این سردرگمی کمتر باشد تنظیم هیجان بهتری به کار گرفته می‌شود. تأثیر محیط خانواده در شکل‌گیری شخصیت بر کسی پوشیده نیست بخصوص در سن نوجوانی و جوانی که دوران هویت‌یابی و استقلال‌طلبی و همچنین کسب مهارت‌های اجتماعی برای ورود به زندگی اجتماعی است (جنوا، گازیلو، ۲۰۱۸). سطح سازمان‌یافتگی شخصیت نقش مهمی در زندگی فرد دارد، افرادی که گرفتار نوعی از اختلالات هیجانی هستند از نظر سازمان شخصیت، آسیب روانی و نوع مکانیسم‌های دفاعی متفاوت‌اند (رستمی و همکاران، ۲۰۱۵)؛ همچنین، بر اساس مدل نظری کرنبرگ می‌توان گفت که سبک‌های دفاعی بر اساس سلسله مراتبی لایه‌بندی شده‌اند. در انتهای طیف سالم‌ترین، سازگارترین و منعطف‌ترین سبک‌های دفاعی قرار دارد و در انتهای دیگر طیف، آسیب‌زاترین دفاع‌ها که به شدت غیر منعطف و ناسازگار بوده قرار دارند (الوارز و همکاران، ۲۰۱۷). ملاک آسیب‌پذیری کلی شخصیت که نشان دهنده مجموع آسیب‌پذیری در هر سه بعد است می‌تواند درصد بالایی از سبک دفاعی رشد نایافته و روان آزرده، رشدیافته را پیش‌بینی نماید. بر اساس مدل کرنبرگ می‌توان گفت آسیب‌پذیری کلی به معنای آسیب‌پذیری در کلیه ابعاد سازمان شخصیت است. در حالی که وجود شخصیت مرزی نیز معرف آسیب‌پذیری در بعد دفاع‌های روان‌شناختی نخستین و سردرگمی هویت است. پژوهشگران معتقدند که وجود آسیب‌پذیری و شدت آن با فراوانی کاربرد و سطح سازگاری دفاع‌ها مرتبط است (فانتونا و همکاران، ۲۰۱۸). از دیدگاه روابط موضوعی، علائم خود تخریبی و عدم موفقیت مزمن (شکست عاطفی) ریشه در روابط ابژه با والدین دارد و معتقدند که روابط اولیه به خودی خود هدف نیستند بلکه وجود آن‌ها در خدمت یک کارکرد است، یعنی رشد خود اغلب روابط تا اندازه‌ای هم محدود و هم تسهیل‌گر رشد هستند بنا براین توانایی برقراری روابط ارضا کننده‌ی متقابل تا حدودی به الگوی درون فکنی شده‌ی ناشی از تعاملات اولیه با والدین یا سایر افراد مهم مربوط است (کرنبرگ، ۲۰۱۱). محدودیت پژوهش حاضر استفاده از شیوه همبستگی بود که استنباط علی درباره روابط حاصل را محدود می‌سازد. محدود بودن جامعه پژوهش به دانش‌آموزان دختر دارای شکست عاطفی شهرستان نورآباد، تعمیم نتایج را به سایر شهرها با محدودیت مواجه می‌کند. پیشنهاد می‌شود از روش‌های پژوهشی ترکیبی

با کاربرد روش‌هایی چون مصاحبه و مشاهده در کنار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شود؛ همچنین به‌روزرسانی ابزار متغیرهای بررسی شده در اولویت پژوهش‌های بعدی قرار گیرد. پیشنهاد پژوهشی که می‌توان برای تحقیقات آتی به کار برد، این است که بسته‌های آموزشی شایستگی هیجانی-اجتماعی در امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان تهیه و استانداردسازی شود. توصیه می‌شود بهبود سردرگمی هویت و مکانیزم‌های دفاعی در دانش‌آموزان از طریق گنجاندن در خلال فعالیت‌های کتاب‌های درسی، تشکیل کارگاه‌های جهت بهبود سردرگمی هویت، شکست عاطفی و مکانیزم‌های دفاعی و اثرگذار کشور، آموزش معلمان در زمینه بهبود سردرگمی هویت، شکست عاطفی و مکانیزم‌های دفاعی از طریق دادن فعالیت‌های مناسب و تعامل پایدار با آنان، صورت گیرد. می‌توان نتیجه گرفت که سردرگمی دارای نقش میانجی در رابطه بین مکانیزم‌های دفاعی و شکست عاطفی داشته است.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند و همکاری لازم را جهت اجرای پژوهش نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نمایند.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر حاصل اقتباس از طرح پژوهشی نویسنده اول بود. نویسنده این پژوهش در طراحی، مفهوم-سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش داشت.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- آل بهبهانی مرجان، و محمدی نورالله. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روانسنجی سیاهه سازمان شخصیت کرنبرگ، فصلنامه روانشناسی، ۱۱(۲): ۱۸۵-۱۹۸
- پروچسکا، جیمز، و نورکراس، جان. (۱۳۹۲). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: انتشارات روان (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۵).

توسلی، زهرا، آقا محمدیان شعرباف، حمیدرضا، سپهری شاملو، زهره، و شهسواری، مجید (۱۳۹۷). اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر سندرم ترومای عشق و عملکرد کلی افرادی که از نظر عاطفی شکست خورده‌اند. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱(۱۲): ۸۳-۱۰۲

سنت کلر، مایکل. (۱۳۹۸). درآمدی بر روابط موضوعی و روان‌شناسی خود (ترجمه حامد علی‌آقایی و علیرضا طهماسب)، تهران: نشر نی.

صالح نیا، یحیی. (۱۳۹۶). بررسی سازمان‌یافتگی شخصیت در بیماران مبتلا به اختلال مصرف مواد افیونی و ارتباط آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی DSM اختلالات شخصیت بر مبنای مدل ابعادی -۵. فرجاد، مریم، محمدی، نورالله، رحیمی، چنگیز، و هادیان فرح، حبیب. (۱۳۹۲). رابطه سازمان شخصیت با مکانیسم‌های دفاعی، مجله روانشناسی، ۱۷(۱): ۳۲-۱۸.

فهمی، صمد، عظیمی، زینب، و اکبری، ابراهیم. (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانگان بالینی در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی بر اساس ساختارهای شخصیتی: نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی ادراک شده، فصلنامه دانش و تندرستی، ۹(۴): ۴۶-۵۹.

کالیگور، او. کرنبرگ، اتو. اف. و کلارکین، جان. اف. (۱۳۹۶). هندبوک روان‌درمانی پویایی برای اختلالات سطحی شخصیت (ترجمه شاهرخ مکوند حسینی). انتشارات دانشگاه سمنان

وجدیان، محمدرضا، و عارفی مژگان (۱۳۹۹). تأثیر آموزش ذهن آگاهی نوجوان محور بر تاب‌آوری و تنظیم هیجانی دختران دارای شکست عاطفی، فصلنامه روانشناسی تحلیلی-شناختی، ۱۱(۴۳): ۵۵-۶۸

یوسفی، ناصر، امانی، احمد، عسگری، رسول، و سلیمانی، مجید (۱۳۹۶). پیش‌بینی ضربه عشق و افسردگی بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دارای شکست عاطفی، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۸(۴): ۹-۱.

References

- Álvarez-Segura, M., Echavarría, M. F., Lafuente, M., Zeiders, C., Antonín, P., & Vitz, P. C. (2017). Defense mechanisms: Determined or ethical choices or both. *European Journal of Science and Theology*, 13(3), 5-14.
- Aminalsadat, R., Dortaj, F., Delavar, A., & Hajializadeh, K. (2020). The Effectiveness of Reality Therapy Training on Marital Burnout in Couple with Marital Conflicts. *Journal of Research in Behavioural Sciences*, 18(3), 300-309.
- Amiri Pichaklaei, A., Khanjani, Z., Poursharifi, H., Azimi, Z., Fahimi, E., Akbari, E., Mahmoud Alilu, M., Ghasempour, A. (2012). Preliminary study of the persistence of clinical symptoms emotional failure with emphasis on attachment styles and early maladaptive schemas. *Thought & Behavior in clinical*. 6(23), 21-30.
- Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The defense style questionnaire. *Journal of Nervous and mental Disease*.
- Behdost, P., Kargar, K., Ziaaddini, Z., & Salimi, H. (2019). The effectiveness of spiritual-religious psychotherapy on love trauma syndrome and acceptance in female students with love failure. *Health, Spirituality and Medical Ethics*, 6(2), 45-51.
- Besharat, M. A., Irawani, M., & Sharifi, M. (2001). An investigation of the relationship between attachment styles and defense mechanisms.
- Dehghani, M., Atef-Vahid, M. K., & Gharaee, B. (2011). Efficacy of short-term anxiety-regulating psychotherapy on love trauma syndrome. *Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*, 5(2), 18.
- Di Pierro, R., Gargiulo, I., Poggi, A., Madeddu, F., & Preti, E. (2020). The level of personality functioning scale applied to clinical material from the Structured

- Interview of Personality Organization (STIPO): utility in detecting personality pathology. *Journal of personality disorders*, 34(Supplement C), 62-76.
- Ensink, K., Rousseau, M. E., Biberdzic, M., Bégin, M., & Normandin, L. (2017). Reflective functioning and personality organization: Associations with negative maternal behaviors. *Infant Mental Health Journal*, 38(3), 351-362.
- Farjad, M., Mohamadi, N., Rahimi, C., & Hadianfard, H. (2014). Personality organization in peoples with obsessive-compulsive, depressive symptoms, obsessive-compulsive and depressive symptoms and normal group. *Research in clinical psychology and Counseling*, 3(2), 37-50.
- Fontana, A., De Panfilis, C., Casini, E., Preti, E., Richetin, J., & Ammaniti, M. (2018). Rejection sensitivity and psychopathology symptoms in early adolescence: The moderating role of personality organization. *Journal of adolescence*, 67, 45-54.
- Genova, F., & Gazzillo, F. (2018). Personality organization, personality styles, and the emotional reactions of treating clinicians. *Psychodynamic psychiatry*, 46(3), 357-392.
- Karaminezhad, Z., & Sodani, M. (2017). Effectiveness emotion focused therapy approach on cognitive emotion regulation on emotional breakdown girl students. *Yafteh*, 18(4), 79-86.
- Kernberg, O. F. (2011). Limitations to the capacity to love. *The International Journal of Psychoanalysis*, 92(6), 1501-1515.
- Lazarus, S. A., Beeney, J. E., Howard, K. P., Strunk, D. R., Pilkonis, P., & Cheavens, J. S. (2020). Characterization of relationship instability in women with borderline personality disorder: A social network analysis. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 11(5), 312.
- Lazarus, S. A., Choukas-Bradley, S., Beeney, J. E., Byrd, A. L., Vine, V., & Stepp, S. D. (2019). Too much too soon?: borderline personality disorder symptoms and romantic relationships in adolescent girls. *Journal of abnormal child psychology*, 47(12), 1995-2005.
- Lind, M., Vanwoerden, S., Penner, F., & Sharp, C. (2019). Inpatient adolescents with borderline personality disorder features: Identity diffusion and narrative incoherence. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 10(4), 389.
- Lotfi, N., Saadati Shamir, A. (2016). Investigating the relationship between personality traits and attachment style with emotional breakdown students. *Clinical Psychology Research and Counseling*, 6(1):98-112.
- Monajem, A., Monirpour, N., & Mirza Hosseini, H. (2019). Predicting pathological eating patterns based on the primary object-relations and personality organization. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 21(2), 71-80.
- Navarro-Gómez, S., Frías, Á., & Palma, C. (2017). Romantic relationships of people with borderline personality: A narrative review. *Psychopathology*, 50(3), 175-187.
- Ooi, J., Michael, J., Lemola, S., Butterfill, S., Siew, C. S., & Walasek, L. (2020). Interpersonal functioning in borderline personality disorder traits: a social media perspective. *Scientific reports*, 10(1), 1-8.
- Roshan, R., Mogadashin, M. (2015). The Role of Big Five Personality Factors and Defense Mechanisms in Predicting Quality of Life in Sexually Dysfunctional Female Patients. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 5(1), 37-50.
- Rostami M, Saadati N, Ghezelseflo M. (2015). The relationship between childhood abuse experience and primary stress confronting methods and maladaptive schemas. *Journal of Fundamentals of Mental Health*; 17(6): 269-77.
- Rosse, R. B. (2007). *The love trauma syndrome: free yourself from the pain of a broken heart*. Da Capo Lifelong Books.

- Schaffner, L. (2014). *Teenage runaways: broken hearts and "bad attitudes"*. Routledge.
- Tavasoli, Z., Aghamohammadin Sherbaf, H. R., Sepehri Shamloo, Z., & Shahsavari, M. (2018). Effectiveness of group Reality Therapy on love trauma syndrome and overall function of people who failed emotionally. *Journal of Applied Psychology, 12*(1), 83-102.
- Yousefi, R., Adhamhian, A., Abdolmohamadee, K. (2016). Experience of love and romantic grief is prevalent in university students. *Social studies in Women's Psychology, 14*(3):171-90.

پرسشنامه سازمان شخصیت کرنبرگ (۲۰۰۲)

کاملاً نادرست	نادرست	ناحدهی	درست	کاملاً درست	سوالات
					۱- دیگران معمولاً برخلاف من رفتار کرده یا به من خیانت می‌کنند بنابراین، نباید به آنها اعتماد کنم.
					۲- مدتی است در مورد مسایلی که من از آنها بی‌اطلاع هستم، کسانی به من تذکراتی می‌دهند.
					۳- دیگران به من می‌گویند که عیب و ایراد کسانی را که تحسین و تمجیدشان می‌کنم، به خوبی تشخیص نمی‌دهم.
					۴- احساس می‌کنم آنچه را که می‌خواهم، نمی‌توانم به دست آورم.
					۵- دیگران به من می‌گویند که به شیوه متضاد و متناقض رفتار می‌کنم.
					۶- فکرمی‌کنم مردم یا مطلقاً خوب یا بد هستند و کمتر کسی پیدا می‌شود که بین این دو حالت باشد.
					۷- اگر مراقب نباشم، دیگران از من سوء استفاده می‌کنند.
					۸- رفتارم برای دیگران عجیب و غیر قابل پیش‌بینی است.
					۹- برخورد دیگران با من به گونه‌ای است که یا خیلی زیاد به من محبت می‌کنند یا کاملاً من را طرد می‌کنند.
					۱۰- تمایل دارم نسبت هرچیزی، احساس مطلق و کاملی داشته باشم، یا در اوج شادی یا احساس ناامیدی مطلق داشته باشم.
					۱۱- احساس می‌کنم بی‌انصافی است که دیگران واقعیت من را به خوبی نشاناسند.
					۱۲- احساس می‌کنم در مقایسه با محل کار یا تحصیل، در منزل انسان کاملاً متفاوتی هستم.
					۱۳- نمی‌دانم چرا در رفتارم تغییراتی به وجود می‌آید.
					۱۴- من کارهایم را با عصبانیت انجام می‌دهم و مردم هم این روش را نمی‌پذیرند.
					۱۵- علاقه‌ها و سرگرمی‌های زیادی دارم، اما بعد از مدتی نسبت به آنها بی‌تفاوت و دلسرد می‌شوم.
					۱۶- وقتی دیگران از موفقیتیم خبر دار شوند، بسیار خوشحال می‌شوم، اما وقتی از شکستم با خبر می‌شوند، احساس اندوه و ناامیدی می‌کنم.
					۱۷- نگرانم افرادی که برایم مهم‌اند، نظرشان نسبت به من تغییر کند.

- ۱۸- نگرانم که مبدا در جریان یک ارتباط صمیمانه ، نتوانم احساساتم را کنترل کنم.
- ۱۹- مطمئن نیستم صداهایی که شنیده ام یا چیزهایی که دیده ام واقعیت دارد یا ناشی از ذهنم هستند.
- ۲۰- احساس می کنم که شخص دیگری هستم، مثلاً یکی از دوستان، بستگان یا غریبه ای که هرگز او را ندیده ام.
- ۲۱- فکرمی کنم چیزهایی را می بینم، اما وقتی به آنها نزدیک می شوم واقعا وجود ندارند.
- ۲۲- نمی توانم تشخیص دهم که دردم جسمانی یا نوعی فشار روانی است.
- ۲۳- چیزهایی را می ببینم یا صداهایی را می شنوم که دیگران توانایی دیدن و شنیدن آنها را ندارند.
- ۲۴- وقتی عصبی یا آشفته هستم، هیچ چیزی در این دنیا، نمی تواند در من احساس دیگری ایجاد کند.
- ۲۵- دیگران می گویند صداهایی که من می شنوم، واقعیت خارجی ندارند.
- ۲۶- چیزهایی را که می ببینم یا صداهایی را که می شنوم علت واضح و آشکاری ندارند.
- ۲۷- نمی دانم چرا کارها و اعمال من، دیگران را ناراحت می کند.
- ۲۸- وقتی چیزی را حس می کنم، تردید دارم که واقعیت دارد یا خیر.
- ۲۹- احساس می کنم که آرزو و افکارم به واقعیت می پیوندند، حتی اگر به واسطه سحر و جادو باشد.
- ۳۰- نمی دانم چرا مردم من را آدم بی فکر و بی ملاحظه می دانند.
- ۳۱- چیزهایی را می فهمم که دیگران قادر به فهم آنها نیستند.
- ۳۲- در باره دنیایی که فقط من از آن اطلاعاتی دارم، صحبت نمی کنم، چون دیگران این گونه صحبت ها را احمقانه می دانند.
- ۳۳- تا کنون چیزهایی دیده ام که واقعیت خارجی ندارند.
- ۳۴- احساس می کنم قبلاً به مکان هایی رفته ام یا کارهایی انجام داده ام، در حالی که واقعا چنین تجربه های عملاً نداشته ام.
- ۳۵- به راحتی نمی توانم بین رویا ها و خواسته های واقعی ام، تمایز قایل شوم.
- ۳۶- می توانم با نیروی تمرکز فکرم، چیزی را که می خواهم به دست آورم.
- ۳۷- به هردلیلی نمی توانم خودم را با مردم هماهنگ کنم.

پرسشنامه مکانیزم های دفاعی

پرسشنامه حاضر در برگیرنده عبارت هایی در مورد نگرش شخصی شماست، بدین خاطر پاسخ های درست و غلط در آن وجود ندارد. لطفاً میزان موافقت خود را با جمله های زیر با انتخاب یکی از گزینه های مقیاس زیر مشخص نمایید.

کاملاً مخالفم = ۱ ... ۲ ... ۳ ... ۴ ... ۵ ... ۶ ... ۷ ... ۸ ... ۹ کاملاً موافقم

۱. من از کمک کردن به دیگران احساس رضایت می کنم و اگر این فرصت از دست برود غمگین می شوم.
۲. قادرم تا پیدا شدن فرصتی مناسب برای حل یک مشکل، آن را از ذهنم بیرون کنم.
۳. از طریق انجام کاری سازنده و خلاق مثل نقاشی یا ساختن وسائل چوبی با اضطرابم کنار می آیم.

۴. قادرم برای هر آن چه که انجام می‌دهم دلایل خوبی پیدا کنم.
۵. تقریباً به سادگی قادرم خودم را بخندانم.
۶. مردم تمایل دارند با من بد رفتاری کنند.
۷. اگر کسی به من حمله کند یا مرا فریب دهد و پولم را سرقت کند ترجیح می‌دهم به او کمک شود تا این که تنبیه گردد.
۸. مردم می‌گویند که من واقعیت‌های ناخوشایند را نادیده می‌گیرم، گویی که اصلاً وجود نداشته‌اند.
۹. من با خطرات به گونه‌ای برخورد می‌کنم که گویی سوپر من هستم.
۱۰. به خاطر این که می‌توانم افراد را سرجایشان بنشانم (روی آن‌ها را کم کنم) به خودم می‌بالم.
۱۱. اغلب وقتی چیزی مرا آزار می‌دهد به طور تکانه‌ای و غریزی، بدون فکر عمل می‌کنم.
۱۲. وقتی اوضاع برایم خوب پیش نمی‌رود از نظر جسمانی بیمار می‌شوم و احساس کسالت می‌کنم.
۱۳. من شخصی بازدارنده هستم (در برابر دیگران خودم را بیش از حد کنترل می‌کنم).
۱۴. من از رویاهایم (خیال‌پردازی‌هایم) بیش از زندگی واقعی‌ام لذت می‌برم.
۱۵. من دارای استعدادها خاصی هستم که به من اجازه می‌دهد زندگی بی‌دردسری داشته باشم.
۱۶. وقتی که اوضاع بر وفق مرادم پیش نمی‌رود همیشه دلایل مشخصی وجود دارد.
۱۷. آن‌چه در خیال‌پردازی‌هایم انجام می‌دهم، بیش از کاری است که در زندگی واقعیم انجام می‌دهم.
۱۸. من از هیچ چیز نمی‌ترسم.
۱۹. گاهی فکر می‌کنم که فرشته‌ام و گاهی نیز تصور می‌کنم که شیطان هستم.
۲۰. احساس صدمه یا آسیب مرا آشکارا پرخاشگر می‌کند.
۲۱. من همیشه احساس می‌کنم که یک آشنا، شبیه به یک فرشته نجات، نگهدارنده من است.
۲۲. تا جایی که می‌دانم مردم یا خوب هستند یا بد.
۲۳. اگر رئیس‌م از من عیبجویی کند ممکن است درکارم اشتباهی مرتکب شوم یا کارم را خیلی کند انجام دهم تا عیبجویی‌م را تلافی کنم.
۲۴. من کسی را می‌شناسم که کاملاً صادق و درست کار است و می‌تواند هر کاری را انجام دهد.
۲۵. اگر احساساتم مزاحم کارم شوند می‌نوانم آنها را نادیده بگیرم (بر روی آنها سرپوش بگذارم).
۲۶. من معمولاً می‌توانم جنبه‌های مفرح و خنده‌دار یک وضعیت ناگوار و دردناک را ببینم (در کنار چیزهای دردناک می‌توانم جنبه‌های جالبی را نیز دریابم).
۲۷. وقتی مجبورم کاری را که دوست ندارم انجام دهم، سردرد می‌گیرم.
۲۸. من اغلب با افرادی که حقشان است از دستشان عصبانی باشم، خیلی خوب رفتار می‌کنم.
۲۹. دنیا با من سرناسازگاری ندارد.
۳۰. هرگاه قرار است با مشکلی مواجه شوم سعی می‌کنم راجع به ابعاد (کم و کیف) آن فکر کنم و راه‌های مقابله با آن را بیابم.
۳۱. پزشکان هرگز نمی‌فهمند که ناراحتی من چیست.
۳۲. هرجایی که از حقم دفاع می‌کنم، به خاطر رک بودنم از دیگران عذر خواهی می‌کنم.
۳۳. وقتی که افسرده یا مضطرب هستم با غذا خوردن حال‌م بهتر می‌شود.
۳۴. اغلب به من گفته می‌شود که احساساتم را نشان نمی‌دهم.
۳۵. اگر بتوانم از قبل پیش‌بینی کنم چه چیزی ناراحت‌م می‌کند، بهتر می‌توانم با آن کنار بیابم.
۳۶. هر چه هم شکایت و یا گله کنم فرقی نمی‌کند چون هرگز پاسخ رضایت‌بخشی دریافت نمی‌کنم.
۳۷. در موقعیتهایی که تکان‌دهنده به نظر می‌رسند، اغلب هیچ احساسی ندارم.
۳۸. برای رهایی از افسردگی و اضطراب به طور افراطی به وظایف و کارهای محوله‌ام متوسل می‌شوم.
۳۹. در شرایط بحرانی علاقه مندم با کسانی دوست شوم که مشکلات یا نیازهایی شبیه من داشته باشند.
۴۰. اگر افکار خصمانه‌ای داشته باشم احساس می‌کنم لازم است کاری برای جبران آن انجام دهم.

پرسشنامه نشانگان ضربه عشق

- ۱- در هنگامی که بیدار هستید چقدر به ضربه عشق فکر می کنید؟ (این تفکر شامل تصاویر، افکار، احساسات، خیال پردازی ها یا ادراک ها مربوط به ضربه می شود)
- الف. اصلاً فکر نمی کنم. (۰ نمره)
ب. گاهی فکر می کنم (کمتر از ۲۵٪ از زمان بیداری). (۱ نمره)
ج. اغلب فکر می کنم (در حدود ۵۰٪ از زمان بیداری). (۲ نمره)
د. بیشتر وقت ها فکر می کنم (حداقل ۷۵٪ از زمان بیداری). (۳ نمره)

- ۲- زمانی که به ضربه عشقی فکر می کنید تا چه اندازه به لحاظ جسمی احساس بیمار بودن می کنید؟
- الف. اصلاً هیچ احساس جسمی ناخوشایندی وابسته به فکرم در ورد ضربه عشقی باشد وجود ندارد (۰).
ب. اندکی ناخوش هستم. تا اندازه‌ای احساس جسمی ناخوشایندی وجود دارد و معمولاً احساس آشفتگی جسمی، عصبانیت و برانگیختگی ناخوشایند گذرا دارم (۱).
ج. تا اندازه‌ای ناخوش هستم. احساس واضح آشفتگی جسمی، عصبانیت و برانگیختگی ناخوشایندی دارم که در کمتر از یک دقیقه از بین می رود (۲).
د. بسیار ناخوش هستم. احساس عمیق آشفتگی جسمی، عصبانیت و برانگیختگی ناخوشایند دارم که بین چند دقیقه تا چند ساعت طول می کشد. (۳)

- ۳- تا چه اندازه پذیرش واقعیت و درد هیجانی ضربه عشقی برای شما راحت است.
- الف. پذیرش ن برایم بسیار سخت است. بسیار ناراحت می شوم و احساس گریه می کنم. احساس می کنم که نمی توانم آن را تحمل کنم. نمی توانم آن را باور کنم که این اتفاق افتاده است (۳).
ب. تا اندازه‌ای پذیرش آن برایم سخت است. ناراحت می شوم و گاهی احساس گریه می کنم. معمولاً می توانم آن را تحمل کنم. (۲)
ج. اندکی پذیرش آن برایم سخت است. فقط بطور لحظه‌ای ناراحت می شوم. می توانم آن را تحمل کنم. (۱)
د. پذیرش آن اصلاً سخت نیست. زمانی که به پذیرش واقعیت رویداد ضربه عشقی فکر می کنم ناراحت نمی شوم. همیشه قادر به تحمل آن هستم (۰).

- ۴- اگر شما حداقل دو نمره در هر یک از سه سؤال نخست کسب کرده اید (به عبارت دیگر سؤال ۱، ۲ یا ۳)، چند سال پیش ضربه عشق رخ داده است؟ (برای هر سال نمره در نظر بگیرید. اگر بیشتر از ۳ سال بود باز هم سه نمره در نظر بگیرید. اگر کمتر از ۶ ماه بود نمره ۰ را لحاظ کنید).

- ۵- غالباً تا چه اندازه خواب مرتبط با این ضربه عشقی را می بینید؟ (رویاها باید مرتبط با احساسات یا برانگیختگی ناخوشایند باشد).
- الف. حداقل هفته ای یکبار (۳)
ب. حداقل هر ماه یکبار (۲)

ج. حداقل هر شش ماه یکبار (۱)

د. هیچ رویای مرتبط با ضربه عشقی وجود ندارد (۰)

۶- ایستادگی در مقابل افکار، احساسات و خاطرات مرتبط با این ضربه عشقی تا چه اندازه برای شما آسان است؟ (منظور از ایستادگی، میزان موفقیت شما در کنار زدن افکار، احساسات و خاطرات این ضربه عشقی در هنگام هجوم آن‌ها به ذهن است؟ برای مثال آیا شما می‌توانید به طور موفقیت آمیزی حواس خودتان را با فعالیتی دیگر یا فکر کردن در مورد چیز دیگر پرت کنید؟

الف. در هنگامی که این افکار به ذهنم هجوم می‌آورند معمولاً نمی‌توانم در مقابل آن‌ها ایستادگی کنم و آن‌ها برای چند دقیقه تا چند ساعت دوام می‌آورند (۳).

ب. نیمی از مواقع نمی‌توانم در مقابل آن‌ها ایستادگی کنم و آن‌ها به ندرت بیشتر از ۱۰ تا ۲۰ دقیقه حضور دارند (۲).

ج. اغلب اوقات می‌توانم در مقابل آن‌ها ایستادگی کنم و آن‌ها به ندرت بیشتر از چند دقیقه محدود حضور دارند (۱).

د. همیشه می‌توانم در مقابل آن‌ها ایستادگی کنم و آن‌ها به ندرت بیشتر از یک دقیقه حضور دارند (۰).

۷- آیا فکر می‌کنید هرگز بتوانید بر احساسات بیمار و ناخوشایند مرتبط با این ضربه عشقی فائق آیید؟ (آیا امید به بهبودی کامل دارید؟)

الف. فکر نمی‌کنم که به طور کامل بهبود یابم. (۳)

ب. در مورد بهبودی بدبین هستم (۲).

ج. تا اندازه‌ای در مورد بهبودی کامل خوش بین هستم (۱).

د. در مورد بهبودی کامل خوش بین هستم (۰).

۸- تا چه اندازه به منظور اجتناب از محرک‌هایی که ضربه عشقی را برای شما تداعی می‌کند مسیر خود را تغییر می‌دهید؟

الف. من همیشه از محرک‌ها یا نشانه‌هایی که مرتبط با این ضربه عشقی است اجتناب می‌کنم. اگر از چنین محرکی آگاه شوم بی‌درنگ و رفلکسی از تماس بیشتر اجتناب می‌کنم (۳).

ب. تنها بعضی وقت‌ها از محرک‌ها و نشانه‌های مرتبط با ضربه عشقی، اجتناب می‌کنم (۲).

ج. بندرت از محرک‌ها و نشانه‌های مرتبط با ضربه عشقی است اجتناب می‌کنم (۱).

د. هرگز از محرک‌ها و نشانه‌های مرتبط با ضربه عشقی است اجتناب نمی‌کنم (۰).

۹- آیا به دلیل برانگیختگی ناخوشایند و اضطراب مرتبط با افکار و احساسات پیرامون ضربه عشقی در خوابیدن و بیدار شدن مشکلی دارید.

الف. تقریباً هر شب به دلیل افکار و احساسات یا برانگیختگی ناخوشایند مرتبط با ضربه عشقی مشکلات خواب دارم. (۳)

ب. گهگاه به دلیل افکار و احساسات یا برانگیختگی ناخوشایند مرتبط با ضربه عشقی مشکلات خواب دارم (۲).

ج. بندرت به دلیل افکار و احساسات یا برانگیختگی ناخوشایند مرتبط با ضربه عشقی مشکلات خواب دارم (۱).

د. هرگز به دلیل افکار و احساسات یا برانگیختگی ناخوشایند مرتبط با ضربه عشقی مشکلات خواب دارم (۰).

۱۰- زمانی که شما در مورد این ضربه عشقی فکر می کنید تا چه اندازه احساسی مانند زیر گریه زدن، خشمگین شدن یا بی قراری پیدا می کنید؟

الف. حداقل روزی یکبار ۳

ب. حداقل هفته ای یکبار ۲

ج. حداقل ماهی یکبار ۱

د. هرگز چنین احساساتی ندارم. ۰

Determining the fit of structural equation modeling of relationships between identity confusion and emotional breakdown based on the mediating role of defense mechanisms

Zahra Bagheri Masi Mordeh¹, Majid Zargham Hajebi^{2*}, & Abbas Habib Zadeh³

Abstract

Aim: The aim of this study was to determine the fit of structural equations of emotional breakdown based on identity confusion mediated by defense mechanisms. **Methods:** The research method was descriptive and the correlation research design was structural equation modeling. The statistical population of this study included the statistical population of this study including all adolescent female students with emotional failure in the 2019-20 academic year of Nurabad city. The sample of this study included 250 people who were selected using purposive sampling method. Data were collected using the Love Trauma Syndrome Questionnaire (Ross, 1999), the Personality Organization Questionnaire (Kernberg, 2002) and the Defense Mechanisms Questionnaire (Andrews et al., 1993). Research data were analyzed using Pearson correlation coefficient, structural equation model and SPSS software version 22 and AMOS version 22. Significance level in this study was considered 0.05. **Results:** The results showed that confusion had an indirect effect on emotional failure, so the existence of an indirect relationship between research variables is confirmed with 95% confidence ($P < 0.05$). **Conclusion:** It can be concluded that personality organization has a mediating role in the relationship between defense mechanisms and emotional failure.

Keywords: Personality organization, Identity confusion, Emotional breakdown, Defense mechanisms.

1. Ph.D. Student, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. * Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Email: zarghamhajebi@qom-iau.ac.ir